

گفتگو با هم، قسمت سوم

نوشته: فرانسس تولوسکوری

ترجمه: آدینه امیری

اعتصاب در وب سایت اینترنتی بینگو (دبلنا)

ما شش نفر بودیم که به عنوان اداره کننده اتاق چت در یک وب سایت بینگو کار گرفتیم. وب سایت بینگو یک صفحه بینگو اینترنتی است، جایی که کارکنان میتوانند در آن بازی کنند. ما میخواستیم به اونجا نظم و انضباط بدهیم و با کاربران وب سایت بینگو در چت (گفتگوی اینترنتی) حرف بزنیم و تقریباً مسئول بازی دبلنا در اینترنت باشیم. رؤسا در آفریقای جنوبی هستند، اما مصاحبه‌ها از طریق تلفن و آدرس ایمیل به واسطه یک شرکت* در استکهلم انجام میشد.

ما که مشغول به کار شدیم تجارب متفاوتی داشتیم و در زمینه‌های مختلفی از جمله حمایت‌های اینترنتی و فروش تلفن کار کرده بودیم. کار ما نیاز به اطلاعات وسیع و تخصص در زمینه کامپیوتر نداشت.

ما در نقاط مختلف کشور و با کامپیوتر های شخصی خودمان کار می کردیم. بهمین دلیل هیچوقت موفق نشدیم همدیگر را از نزدیک ملاقات کنیم. اما از طریق ام اس ان با باز نمودن یک اتاق مشترک اینترنتی بهم پیام میدادیم. ام اس ان مسنجر (پیام دهنده) یک برنامه ایی است که از طریق آن دو یا چند نفر همزمان و بطور مستقیم میتوانند برای هم پیام بفرستند و چت کنند. حتا در زمان آموزش و یلدگیری هم از ام اس ان مسنجر استفاده میشد. زمان آموزش ما ۲ هفته بود آنوقت میتوانستیم همه چیز را در رابطه با کارمان یاد بگیریم.

در آگهی استخدام، کار تمام وقت اعلام شده بود. اما در حین آموزش پی بردیم که ظاهراً قرار است ۱۴ ساعت در هفته کار کنیم و استخدام ما ساعتی می باشد. حقوقی که برای کار ساعتی پرداخت می نمودند خوب بود اما هیچکدام از ما نمی توانست با ۱۴ ساعت کار در هفته از پس هزینه‌هایش بر آید.

ام اس ان مسنجر واقعن عالی بود چون ما میتوانستیم همزمان چندین اتاق گفتگو را باز کنیم. ما اتاق گفتگوی آموزش خودمان را داشتیم که در آن با سرکارگر حرف میزدیم و دستورالعمل‌های کاری را میگرفتیم، و اتاق دیگری که همه ما در آن واحد باهم حرف میزدیم. ما بحث کردیم و به این نتیجه رسیدیم که باید برای ساعات کاری بیشتری تقاضا کنیم اما چطور میتوانستیم یک شکل و متحد عمل کنیم وقتی که از ابتدا به یک نتیجه واحد نرسیدیم.

در جمع ما پسری بود به اسم **یوکه** که می‌خواست خودش به تنهایی اقدام نماید و تابع جمع نباشد، او فکر میکرد مورد علاقه رؤسا در اس‌ای است او خودش مستقلاً به آنها ایمیل زد و با آنها وارد گفتگو شد. یکی دیگر از ما رفتاری دیپلماتیک داشت، او فکر می‌کرد که حق با رؤسا است بنابراین، ترجیح میداد که با ما همراه نشود و موضعی بیطرف داشته باشد.

من به سندیکا زنگ زدم و موضوع را با آنها در میان گذاشتم ولی آنها گفتند که نمیتوانند هیچ کمکی کنند چون من بیش از ۳ ماه بود که در سندیکا عضو نبودم و آنها بمن توصیه نمودند که وکیل بگیرم.

یوکه هیچ پاسخی دریافت نکرد. و در آخر همه توافق کردیم که یک ایمیل دست جمعی برای رؤسا در اس‌ای بفرستیم. ما به سرکارگر گفتیم تا زمانی که رؤسا خواسته‌های ما را قبول نکنند ما نه به اتاق گفتگوی دبلنا وارد می‌شویم نه حتا تمرین می‌کنیم و آموزش می‌بینیم. رؤسا هم کلی فحش نثار سرکارگر کردند و به او گفتند که همه تان بروید گم شوید و امکان ندارد که ما یک همچین موافقتی بعمل بیاوریم.

ما به اعتراض ۲ روز نه تمرین کردیم نه حتا در ام اس ان حاضر بودیم، کلاً کار نکردیم. روز دوم ایمیلی دریافت کردیم مبنی بر اینکه رؤسا قبول کردند که برای حداقل ۲۸ ساعت در هفته به ما حقوق بدهند حتا اگر ما نخواهیم آن مقدار کار کنیم. در واقع ما تا حدودی به خواسته امان رسیده بودیم و از این نظر راضی بودیم. سپس ما به کار تمرین و آموزش برگشتیم و ادامه دادیم.

یعنی ما ۲۸ ساعت حقوق می‌گیریم اگرچه تمام ۲۸ ساعت را کار نکنیم. حتا در مدت زمانی که سایت به دلائل فنی کار نمی‌کرد ما حقوقمان را دریافت کردیم در صورتی که اگر ما با همان استخدام ساعتی به کار ادامه می‌دادیم هرگز حقوقمان را دریافت نمی‌کردیم. اما ما با یک اعتصاب کوتاه مدت به نتیجه ای مطالبوب رسیدیم.

شرکتی ست که به شرکت‌های دیگر پرسنل می‌فرستد (کرایه دادن نیروی کار)

*bemanningsföretag:

به نقل از کارگر سوسیالیست

نشریه کانون سوسیالیستهای کارگری

<http://www.socialist-workers.org/2012/06/blog-post.html>

[/http://www.socialist-workers.org](http://www.socialist-workers.org)